

از مردان خلع سلاح کنید! مردان، خلع سلاح شوید

بیانیه ابتکار عمل مردانگی انتقادی شهر داتچا

ما مردانی هستیم که می‌شناسید: فراخوان ما به تمام مردان/ساختارهای نرینه، در رأس آن قدرت . . . عمومی، است: سلاح‌های در دست‌تان، زبان‌تان، جیب‌تان و بدن‌هایتان را آرام زمین بگذارید و یک قدم به عقب بروید! یک گام به عقب! عقب‌تر! شکست خوردن رهایی‌بخش است! این تسویه حسابی است که به عنوان شرکا و شریک جرم‌های جهان نرینه باید با آن مواجه شویم و می‌دانیم که «مردانگی» بی وجود دارد. که باید از شرّ خویش رهایی یابد و مسیر این رهایی پیش از هر چیز از مواجهه و تسویه حساب می‌گذرد. ما می‌دانیم که هیچ‌یک از ما به عنوان مرد به دنیا نمی‌آییم؛ مرد می‌شویم! . . . هر یک از ما با هستی . . . واحد/ خاص‌بودگی‌های تکین خود خواهان رهایی از وضعیتی هستیم که در آن محصولات نظم مردانه می‌شویم، نظمی که حق مرد بودن را غصب کرده، آن را هم‌گن ساخته، امکانات خاص‌بودگی را تماماً تخریب نموده و آن را با وظیفه‌ی مردانه تثبیت کرده و به واسطه‌ی این وظیفه‌ی تداوم‌یافته و تحکیم‌شده، ما را شریک تمام جرم‌ها علیه زنان و آشکال هستی خارج از هنجار نموده و قید و بندهایی به اذهان‌مان زده، زنجیرهایی به پاهایمان بسته و همچون داغ ننگی بر تن‌مان نقش بسته است

=====

بیانیه

ابتکار عمل مردانگی انتقادی شهر داتچا

مترجم: مهرداد امامی

بیانیه‌ی آغاز به کار

ما مردانی هستیم که می‌شناسید

ابتکار عمل مردانگی انتقادی شهر داتچا» در حال حرکت است! هدف ما از آغاز به کار این است که «
بارخودانتقادی و خود-دگرگونی‌مان را از دوش افراد دیگری که داشتن مناسبات برابر با آن‌ها را پیش‌فرض
می‌دانیم برداریم و بر دوش خود بگذاریم. این تسویه حسابی است که به عنوان شرکا و شریک جرم‌های
جهان نرینه باید با آن مواجه شویم و می‌دانیم که «مردانگی» بی وجود دارد که باید از شرّ خویش رهایی یابد
و مسیر این رهایی پیش از هر چیز از مواجهه و تسویه حساب می‌گذرد

هدف ما از آغاز به کار نالیدن، غر زدن، به اصطلاح درست فهمیده شدن، و اصطلاحاً طلب حق برای همسان تلقی نشدن با مردان شناخته شده نیست، برعکس هدف ما استنتاج مردانگی مان به دست خودمان و ایجاد فاصله‌ای است که دادخواهی و دادپذیری میان ما و «خودمان» را ممکن سازد

!ابتکار عمل مردانگی انتقادی داتچا» آغاز به کار می‌کند اما نه همچون جنبشی حق‌طلبانه»

ما کیستیم: ما کسانی هستیم که با له کردن غیر خود، خویش را آزاد و مقتدر می‌پندارند؛ ما کارگر کارخانه، رئیس خانه‌ی خود، شکنجه‌گر پلیس، پدری هستیم که شفقت خود را در خانه با خشم بروز می‌دهد. ما کسانی هستیم که برای تحقق خویش و قدرتمند احساس کردن خود در خانه، در وسایل حمل و نقل عمومی، در تاریکی شب‌ها و در محل کار به دنبال ستم کردن، شاخ و شانه کشیدن و تعرض کردن هستند، ما کسانی هستیم که با سجده در برابر قدرت سعی داریم مقتدر باشیم

!ما آن مردانی هستیم که می‌دانید

می‌دانیم خشونت علیه زنان، دگرباشان جنسی، کودکان و جانداران، در رأس آن‌ها حیوانات، پدیده‌ای نیست که با اصطلاحاتی مثل امری غیرطبیعی، غیرقابل انتظار، نپذیرفتنی، انحراف، حالت بیماری، عارضه، مورد استثنایی، عدم خودشناسی، توخس، بربریت، فقدان تمدن، بی‌نزاکتی، بی‌ادبی و مسئله‌ی آموزش یا آگاهی تبیین‌پذیر باشد، امری که به صورت ضمنی هنجاری را فرض گرفته و به آن مشروعیت بخشیده و با انحراف از این هنجار توضیح‌پذیر می‌شود؛ برعکس، باور داریم و اعلام می‌کنیم که این امر از زمان نابودی اجتماعات برابری‌خواه تا به امروز، حتی اگر نشانگر آشکال و شدت‌های متفاوتی باشد، اساسی‌ترین تجلی هنجار نرینه‌ی بنیادینی است که جامعه را امکان‌پذیر می‌سازد

در این معنا، ما هرگونه بیولوژیسم تباری و اقدام به طبیعی‌سازی را مردود می‌شماریم که با ادعای اساس قرار دادن انسان همچون چیزی به اصطلاح نوعی، در نهایت با این فرض که «زن، زن است و مرد، مرد» گرایش به این دارد که آنچه مهم است انسانیت است و به تدریج فاعلیت مردان در هر چیزی را به تفاوت‌های بیولوژیک مثل تستوسترون ربط می‌دهد

مردانگی مُسری است؛ از مردی به مرد دیگر و به دیگران سرایت می‌یابد

امروز، در کشوری که در آن به سر می‌پریم، آنچه مردانگی هنجارین «مردانه» تلقی نمی‌کند، در رأس آن‌ها زنان و کودکان و از جمله خود مردان، خشونت علیه هر بخشی از جانداران، به‌ویژه زمانی که زنان و دگرباشان محل بحث هستند، وضعیت جنگی آشکار است. کشتار زنان دیگر یک قتل‌عام جنسیتی واضح است! در این جنگ که همچون قتل‌عام جنسیتی علیه زنان بر پا شده است، کسانی که (cinskirim) کشته نشده‌اند به منظور این‌که وادار به اطاعت و موقعیت‌های پست شوند، در تمام سطوح و لایه‌های جامعه یا در معرض تعرض و تجاوزند یا به واسطه‌ی تهدید به قتل، تعرض، تجاوز، گرسنگی، فقر و محرومیت !گروگان گرفته شده‌اند

علاوه بر این، فاعلان نرینه‌ای که قدرت و اقتدار عمومی خود را به کار می‌گیرند، در رأس آن‌ها سربازان و مأموران امنیتی در تمام سطوح، پلیس‌ها و پاسبان‌ها (بکچی‌ها) به سبب جرایم مردانه‌ای که مرتکب شده‌اند متأسفانه در سطوح متعدد قدرت عمومی از آن‌ها حفاظت شده و به کار گرفته می‌شوند و به همین ترتیب شریک جرم‌هایشان به هیچ صورتی در معرض پیگیری قضایی قرار نمی‌گیرند و پرونده‌های مرتبط با این فاعلان تا حد ممکن به سرعت مختومه اعلام شده یا از رده خارج می‌شوند. افزون بر این، در نتیجه‌ی اعمال این فاعلانی که با تکیه بر قدرت عمومی مرتکب جرایم مردانه می‌شوند، کسانی که جان خود را از دست می‌دهند یا زنده مانده و مجبور می‌شوند با مشکلات شدیدی سروکار بزنند، از جانب همین فاعلان و شرکای جرم‌هایشان زیر فشار و محاصره‌ی سنگین قرار گرفته، ولو سعی می‌شود جنازه‌هایشان نیز از خانواده‌ها، آشنایان، دوست‌داران‌شان و آرای عمومی رُبوده شوند و حتی ربوده می‌شود. این واقعه و پدیده‌ها، با هر اصطلاحی که در رابطه با انسان، سیاست و حقوق تبیین شوند هم نه قابل مشروعیت‌یابی‌اند و نه از جانب کسی که خود را انسان می‌داند، پذیرفتنی‌اند.

در حالی که نظم حقوقی این خشونت را که تبدیل به جنگ قتل‌عام جنسیتی شده، هم در آشکال گوناگون نادیده می‌گیرد و هم با گام‌هایی تأثیرگذار در کنار مردانگی هنجارینمی‌ایستد، نظم سیاسی به این هم اکتفا نکرده و در مقیاس‌ها و حدود مشخص به دنبال بازپس‌گیری امضای خود از کنوانسیون استانبول است که همچون ضمانتی نسبی برای زنان تلقی می‌شود.

ابتکار عمل مردانگی انتقادی داتچا» بی‌چون و چرا از کنوانسیون استانبول حمایت می‌کند؛ در هر شرایطی از آن دفاع کرده و در کنار مدافعان آن قرار می‌گیرد! ما مدافع اجرای بند ۶۲۸۴ هستیم و به این هم اکتفا نمی‌کنیم، و قاطعانه مخالف حذف ویژگی‌های محافظ کودکان در بند ۱۰۳ قانون مجازات ترکیه، مخالف اقداماتی در جهت عفو استثمارگران کودکان و مخالف پایین آوردن بیشتر سن کودکی هستیم که مشوق استثمارگران است. علاوه بر این، ابتکار عمل ما در تمام سطوح سیاسی، اقتصادی، حقوقی و اجتماعی مدافع تبعیض مثبت در قبال زنان و دگرباشان جنسی است.

ما می‌دانیم که؛ هیچ‌یک از ما به عنوان مرد به دنیا نمی‌آییم؛ مرد می‌شویم! عرصه‌ی مبارزه‌ی «ابتکار عمل مردانگی انتقادی داتچا» نه مسئله‌ی زنان بلکه مردانگی‌ها و مردان همچون یک مسئله است! در این چهارچوب، هر چقدر هم در تمام سطوح از جنبش‌های زنان و جنبش‌های دگرباشان جنسی با هم یاد کنیم، تقلیل یکی به دیگر، فهم یکی به صورت جذب‌کننده‌ی دیگری و نفی خاص‌بودگی‌هایشان را مردود می‌شماریم. البته علاوه بر این که می‌دانیم نیاز به یادگیری چیزهایی زیادی از این دو جنبش داریم، خود را تقلید یا رونوشت بسیار دیررسیده‌ی این جنبش‌ها نمی‌دانیم.

ما، به عنوان مردان عضو این ابتکار عمل، هیجان امکان‌پذیری حیاتی برابر با تمام دیگری‌های نظم دگرجنس‌گرا و هنجارانگاری دگرجنس‌گرایانه را بر عهده گرفته و از آن دفاع می‌کنیم.

از خودمان این پرسش‌ها را می‌کنیم: چگونه به مردانگی هژمونیک، اسطوره‌ی قدرتمندی، دگرجنس‌گرایی و هنجار انگاری دگرجنس‌گرایانه متصل می‌شویم و چگونه با این موارد یکی می‌شویم؟ چطور تبدیل به بخشی از شبکه‌ی اقتدار مردانه شده/یا به این سمت رانده می‌شویم؟ به بیان خلاصه، به عنوان مردان چگونه و چرا تبدیل به برده‌های مطیع این نظم مردانه می‌گردیم؟

ابتکار عمل مردانگی انتقادی «داتچا» ابتکار عملی مدنی است که به دنبال گسترش آگاهی از خشونت، در رأس آن خشونت علیه زنان، کودکان و دگرباشان جنسی و ایجاد این آگاهی است و به روی مشارکت داوطلبانه و فردی کسانی که خواهان مبارزه با این خشونت‌اند، معماری زیستی آن‌ها هر چه می‌خواهد باشد، کسانی که خود را بخشی از جهان مردانه/مردانگی و شریک نظم مردانه می‌دانند، یعنی تمام تنوعات مردان گشوده است.

مشارکت در ابتکار عمل، فردی است. به هیچ ترتیب مشارکت‌کنندگانی که به نمایندگی از هر گونه سازمان، گروه، انجمن، جنبش، و اندیشه‌ی سیاسی یا غیرسیاسی حضور می‌یابند، پذیرفته نمی‌شوند. مشارکت‌کنندگان در ابتکار عمل، کسانی‌اند که می‌پذیرند مرد/مردانگی فاعل اصلی و نقطه‌ی تمرکز نظم دگرجنس‌گرا و هنجار انگاری دگرجنس‌گرایانه‌ای است که مجبوریم در آن زندگی کنیم. با حرکت از این اصل، از تمام اعضای ابتکار عمل به عنوان وظیفه‌ی اساسی انتظار می‌رود که پیش از هر چیز با حالت‌های مردانگی پیش‌روی خود مواجه شوند.

اساس مشارکت‌کنندگان در ابتکار عمل این است که چه در رابطه با تمام روندهای مربوط به ابتکار عمل، چه در همه‌ی سطوح زندگی خارج از ابتکار عمل، برهان و میانجی آن هر چه می‌خواهد باشد، موضعی در مخالفت با بازتولید و تداوم گفتمان‌های زن‌هراسانه، دگرجنس‌گرایانه، همجنس‌هراسانه، ترنس‌هراسانه، دوجنس‌گراهراسانه، نظامی‌گرایانه، شوونیستی، نژادپرستانه، نوع‌پرستانه، بیولوژیستی و غیره گسترش دهند.

ابتکار عمل مردانگی انتقادی «داتچا» تماماً فعالیت‌های صلح‌جویانه دارد و در تمام این فعالیت‌ها دقت دارد» که روش‌ها و ابزارهای صلح‌جویانه اساس کار باشند.

مشارکت‌کنندگان در ابتکار عمل، شعار «عرصه/امر شخصی، سیاسی است» را نه فقط برای زنان بلکه برای مردان نیز صادق می‌دانند. در این جهت، اگر هر یک از مشارکت‌کنندگان موضع و رفتاری رادیکال در مخالفت با بنیان‌هایی که در این بیانیه عنوان شده بروز دهند، در شرایطی که مشخص شود دست به خشونت کلامی، نمادین یا عملی زده‌اند، ابتکار عمل بیان‌های فردی که در معرض خشونت واقع شده را، در راستای سند سیاستی بنیادی خود، اساس قرار داده و گام‌های لازم را در چهارچوب همین سند برخواهد داشت.

«داداش‌ها، رو به عقب برویم»

هر یک از ما با هستی واحد/ خاص‌بودگی‌های تکین خود خواهان رهایی از وضعیتی هستیم که در آن محصولات نظم مردانه می‌شویم، نظمی که حق مرد بودن را غصب کرده، آن را هم‌گن ساخته، امکانات خاص‌بودگی را تماماً تخریب نموده و آن را با وظیفه‌ی مردانه تثبیت کرده و به واسطه‌ی این وظیفه‌ی تداوم‌یافته و تحکیم‌شده، ما را شریک تمام جرم‌ها علیه زنان و آشکال هستی خارج از هنجار نموده و قید و بندهایی به اذهان‌مان زده، زنجیرهایی به پاهایمان بسته و همچون داغ‌ننگی بر تن‌مان نقش بسته است. همه با هم»، «در کنار هم» از مرد بودن‌مان شرمساریم! هر یک از ما، یک‌یک ما، به جای «یک مرد» بودن در «کلیتی یک‌دست» خواهان تحقق خویش با تکینگی‌هایمان هستیم! به جز «یک مرد» بودن چیزی برای از دست دادن نداریم.

خطاب‌مان به تمام مردانی است که این رویا را دارند و می‌خواهند صاحب این رویا شوند: نه برای پایه‌گذاری یک مردانگی نوین؛ نه برای یک کلیت جدید؛ برای نابودی آن دیواری که کلیتی است که ما را در خود خفه کرده، یکی‌مان کرده و نفس‌مان را بریده است و برای آن‌که به تنهایی بتوانیم از درون آن، با اتمام بالقوگی‌های متمایزمان، با همه‌ی عریانی‌اش همچون یک وجود متولد شویم. ابتکار عمل مردانگی انتقادی داتچا» فراخوانی نه برای اتحاد بلکه برای پراکندگی است! به عنوان مردان»! خطابی است «همه با هم» نه برای پیروزی بلکه همه با هم برای شکست می‌دانیم که هر شکست مردانگی و مردان ما، پیروزی طردشدگان از امر هنجارین است. فراخوان ما به شماست:

از سیاست‌های نظامی‌گرایانه‌تان در داخل و خارج که این کشور را به برهوت مردان تبدیل کرده، دست بکشید!

!از ترویج مسلح شدن فردی با حمایت دولت دست بکشید

از زبان خشونت و تهدید که دیگر در سطح اجتماعی و در تمام لایه‌های زبان چیرگی یافته، از تسلیح زبانی دست بردارید!

!از تبدیل کردن بدن مردان به سلاح دست بردارید

!از مردان خلع سلاح کنید! مردان، خلع سلاح شوید

فراخوان ما به تمام مردان/ساختارهای نرینه، در رأس آن قدرت عمومی، است: سلاح‌های در دست‌تان، زبان‌تان، جیب‌تان و بدن‌هایتان را آرام زمین بگذارید و یک قدم به عقب بروید

فراخوان ما با آغاز از شهر داتچا خطاب به تمام مردان است

!یک گام به عقب! عقب‌تر! شکست خوردن رهایی‌بخش است

«ابتکار عمل مردانگی انتقادی داتچا»

این بیانیه در چهارچوب سند سیاستی بنیادی «ابتکار عمل مردانگی انتقادی داتچا» تهیه شده است. روند (تشکیل ابتکار عمل با روند بحث و گفتگو در مورد سند سیاستی اصلی ادامه دارد)

از صفحه فیسبوک عبده کلانتری